

متن پرسش

با عرض سلام و احترام خدمت استاد عزیز: ۱- شما در کتاب «امام خمینی (ره) و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه» آورده اید که: «بنده بعضا تاسف می‌خورم که چرا بعضی از مومنین و انقلابیون چطور حرف خود را می‌فهمند اما صحت حرف طرف مقابل را نمی‌فهمند. حتی در این حد هم به توحید نرسیده‌اند که بتوانند وجوه مختلف یک حقیقت را جمع کنند. .. توحید تا اینجاها انسان را در جمع اضداد جلو می‌برد...» می‌خواستم اگر ممکنه در مورد عبارات بالا توضیحات بیشتر و جامع‌تری رو بدید. چرا که بنده خودم هم به نحو حضوری درستی این حرف رو درک می‌کنم و اونو احساس کردم. اما برای تقریر زبانی اون، احساس می‌کنم که باید بیشتر در مورد این حرف و ادعا توضیح داده بشه و به نظر میرسه که این حرف، جای تفصیل زیادی داشته باشه. آیا بر طبق این قاعده میشه گفت که ما اساسا در عالم چیزی به نام حرف به کل غلط نداریم؟ ۲- احتمالا شما هم شنیدید که بعضا گفته میشه: «مردم ما که در عصر غیبت از ولی غیر معصوم تبعیت می‌کنند و ولایت مدارند؛ پس به طریق اولی اگر امام زمان (عج) و ولی معصوم ظهور کنند هم ولایت مدار خواهند بود. پس می‌توان گفت ارزش کار آنها حتی از ولایت‌پذیری انسان کامل و ولی معصوم هم بیشتر است.» خب این حرف اگرچه در نگاه اول جالب به نظر می‌رسه اما به نظر می‌رسه چندان هم صحیح نیست. مخصوصا اگر از این زاویه نگاه کنیم که ولی معصوم مظهر تمام اسماء الهی است و ظهور اون یعنی ظهور تمامی اسماء الهی و این یعنی مردمی که می‌خواهند شایستگی ظهور ولی معصوم رو داشته باشند باید شایستگی ظهور تمامی اسماء الهی رو داشته باشند. پس با این حساب، این امر امکان‌پذیر و بلکه محتمل هست که مردمی ولایت یک انسان غیر معصوم رو بپذیرند اما آن چنان شایستگی در آن‌ها نباشد که ولایت ولی معصوم رو بپذیرند. یعنی این قاعده که مردمی که ولایت غیر معصوم رو بپذیرند به طریق اولی ولایت معصوم رو هم می‌پذیرند؛ قاعده غلطی هست. می‌خواستم نظرتون رو در این رابطه بدونم. البته بنده نظر به قاعده کلی دارم و لزوما منظورم مصداق ملت ایران نیست. ۳- در مورد علم معصوم می‌خواستم بدونم که حد علم پیامبر (ص) و ائمه (ع) تا کجاست؟ ما تو قرآن آیه داریم که پیامبر (ص) خودشون می‌فرمایند که من غیب نمی‌دونم و گرنه کاری می‌کردم که شری به من نرسد. (آیه تو جزء دوازدهمه اگر اشتباه نکنم.) از سوئی خدا پیامبرش رو مامور به مشورت با مردم میکنه. سوال اینجاست که دعوت خدا به مشورت پیامبر (ص) با مردم امری صوری هست یا اینکه نه این طور نیست و دلیلشم اینه که پیامبر (ص) هم در شناخت و بررسی پدیده‌ها دچار محدودیت هست و به همین دلیل با مردم مشورت می‌کند. التماس دعا.

- باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- عنایت داشته باشید که بنده در آن جمله عرض کرده‌ام بعضی از مؤمنین و انقلابیون متوجه صحت حرف طرف مقابل که او هم فردی انقلابی و مؤمن است، نمی‌شوند! این غیر از آن است که نتیجه بگیریم حرف غلط در عالم نداریم، زیرا که در هر جا سخنی باشد که موجب در حجاب رفتن حق و حقیقت شود آن سخن، سخن غلطی است. ولی حرف این است که اگر ما از طریق سلوک ذیل شخصیت امام و با مد نظر قراردادن سیره‌ی ملکوتی ایشان با حقیقت در این تاریخ آشنا شویم، متوجه وجود حق در سخن و رفتار بسیاری از افرادی که مؤمن به انقلاب اسلامی هستند می‌شویم و در این مورد باید حساسیت خود را رشد دهیم تا از جبهه‌بندی‌ها و دوگانگی‌هایی که موجب عدم درک یکدیگر می‌شود آزاد شویم ۲- در یک روایت از حضرت سجاد «علیه‌السلام» داریم که مردم آخرالزمان با این‌که امام و پیامبر را ندیده‌اند و به آن‌ها ایمان دارند، از سایر مردم برترند. ولی این بدین معنا نیست که چون همه‌ی اسماء الهی در آن‌ها ظهور کرده است شایسته‌ی ظهور حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» شده‌اند. آری این وجه دیگری است که کسی می‌تواند تابعیت کامل امام معصوم را داشته باشد که زمینه‌ی تجلی همه‌ی اسماء الهی را در خود فراهم کرده باشد و مفتخر به قبول همه‌ی ابعاد انسانی در خود باشد و مسلم بعضی از افراد آخرالزمان □ همان ۳۱۳ نفر از یاران خاص آن حضرت □ در چنین شرایطی هستند که همه‌ی حرف‌های امام را می‌فهمند ۳- در مورد علم امام در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» تحت همین عنوان و با نظر به روایات مطرح‌شده در این مورد عرایضی داشته‌ام. فکر می‌کنم اگر بعد از مطالعه‌ی آن سؤال‌تان را مطرح کنید، بهتر نتیجه خواهید گرفت. ولی همین قدر می‌توان گفت که مشورت رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» با مردم در عین آن‌که تحقق یک سیره‌ی مثبت برای جامعه‌ی اسلامی است، ممکن است که موجب به تفصیل آمدن علم آن حضرت باشد. موفق باشید